

# مگر جنگ‌ها تمام نشده‌اند؟

محمدعلی شاکری یکتا

«۲۹ ژوئن سال ۲۰۰۰، یکصدمین سال تولد آنستوان دوست اگزوپری، خالق شازده کوچولو»



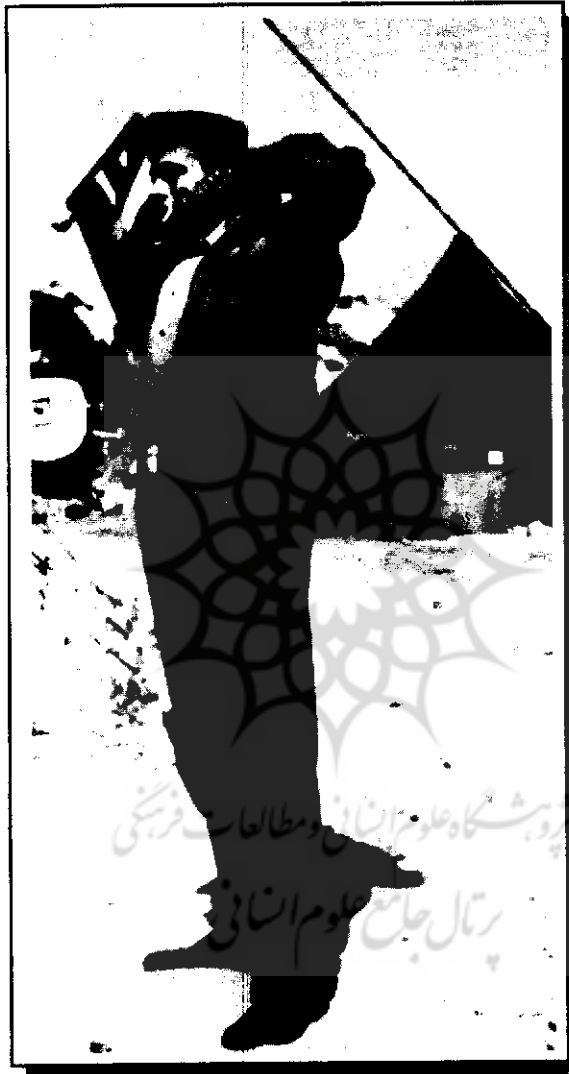
دانش آموز دبیرستانی بودم که نسخه‌ای از کتاب «شازده کوچولو» به دستم افتاد. ابتدا می‌پنداشتم قصه‌ای معمولی است با جن و پری و رؤیاهای عامیانه. قصه‌ای چون امیرارسلان و یا از قماش آن.

آن سالها خانه پدری من در ساحل غربی رودخانه‌ای بود که اغلب ماه‌های سال خشک بود و تابستان‌ها تفته‌گی قله‌سنگ‌ها، خاک رس و ماسه‌های کف رودخانه، شیطنت‌های نوجوانی ما را کمرنگ می‌کرد. خانه ما حیاطی داشت با کبوترهای مهربان، یک درخت انار، یک درخت انجیر کهنسال و تاک لاغراندامی که هیچ‌گاه انگور نمی‌داد. در عوض، خرمهره‌های فیروزه رنگی که مادر پسر من برای رفع چشم زخم به آن بسته بود جای دانه‌های انگور می‌درخشیدند.

من در تابستانی گرم و طولانی شازده کوچولو را خواندم. حرفی تازه و قصه‌ای که هنوز ذهنم نمی‌توانست به پیچیدگی‌های آن عادت کند. هم از این‌رو، نه یک بار که چند بار، در کتاب غرق شدم، و فکر می‌کردم درخت بانوباب، باید چیزی باشد شبیه درخت انجیر ما و شب‌ها، زیر آسمان پرستاره شهری که از هیاهوی امروزی خود هنوز دور بود به درخشش ستارگان خیره می‌شدم و می‌پنداشتم سیاره ۲۱۶، شاید یکی از همان نقطه‌های روشن ته آسمان باشد و من چه خوب می‌بودم با کبوترهای خود به آن سفر می‌کردم تا گل سرخ نازک نارنجی شازده کوچولو را آب بدهم.



اگر از دنیای خاطره‌ها و رؤیاهای خود بیرون



سنت اگزوپری در کسوت خلبانی

بنگریم، قرن فیلسوفان نو، اندیشه‌های نو، قرن فیزیک هستی و فیزیک کوانتوم، شکافتن اتم و درخشش ستارگان سینما، شاعران جهانی، شهرهای شکوهمند و در یک کلام انسان‌های شکوهمند.

به راستی چه تعریفی می‌توان از انسان قرن بیستم به دست داد؟ شکاف عمیق میان انسان پر تلاش و سازنده با انسان مصرف‌زده و مصرف‌کننده از چه سرشتی ناشی می‌شود؟ اگر قرن بیستم شروع خود را با دستاوردهای صنعتی عظیم در امر ارتباطات و حمل و نقل آغاز کرد و نخستین پرنده‌های دست‌ساخت انسان، نوید زندگی متفاوتی را دادند و یا اتومبیل‌های ابتدایی به منزله فن آوری برتر، برای سازندگان و دارندگان آنها فخر و غرور به همراه داشت، امروزه نیز می‌بینیم که در آغاز سال ۲۰۰۰ و هزاره سوم میلادی این شکاف همچنان حفظ شده است.

مخترعان و وسایل ارتباطات جمعی، سازندگان آبرایانه‌ها، برنامه‌ریزان خردمدار و مدیران

نایبه‌ای که بنا بر اصل «توانا بود هر که دانا بود» به قول فردوسی و «دانایی عین توانایی است» به تعبیر اسپینوزا، به هدایت سیاره زمین و رسوخ در قلب کائنات ناائل آمده‌اند از یک سو، و انسان وامانده در تحجر، سکون، خرافات، سلطه‌جویی قبیله‌ای و شیخوخیت سیاسی، گرسنگی، قحطی، مصرف‌زدگی شیفتگی و شیدایی به مصنوعات و کینه و نفرت از نوجویی و نوگرایی از دیگر سو...

شویم و واقعیت‌های سخت زندگی که ما را محاصره کرده‌اند بپذیریم، در خواهیم یافت که زندگی نسل ما، در تاریخی سپری شده است شگفت‌انگیز. تاریخ قرن بیستم قرن سرسختی‌ها و لجباجت‌های ایدئولوژیک، نرمش‌های خردمندانه، اختراع‌ها و کشف‌ها، قرن اسپوتنیک و آپولو، فرود به ماه، جنگ ویتنام، و پیش از آن جنگ اول و دوم. قتل عام‌ها و نسل‌کشی‌ها و اگر رنگین‌تر به زندگی

همچنان ساختار این کلیتی را که انسان آغاز سال ۲۰۰۰ است، حفظ کرده‌اند. با یک تفاوت اساسی که جهان گسترده آغاز قرن بیستم به دهکده آقای مک لوهسان تبدیل شده است و کپرنشین‌ها و حلبی‌آبادنشین‌های این دهکده که من جهان سومی باشم می‌بندارم، همه دنیا در من خلاصه می‌شود و من مصرف‌زده ساده‌اندیش می‌خواهم بر غول زیبای عصر فراصنعتی حاکم شوم. غافل از آنکه انسان مستغرق در محاسبات ریاضی و فیزیک با کاربرد انسانی علم، همچنان شایسته گی علمی و مدیریتی و خردمحوری خود را همانند کسانی به کار خواهد برد که در قرون و اعصار متمادی، مخصوصاً عصر نوزایی و انقلاب صنعتی پایه‌های بزرگی ملت‌های خود را فراهم آوردند. انسان‌هایی از نوع آنتوان دوست اگزوپری خلبان و نویسنده که توانست در عرصه ارتباطات و حمل و نقل، در زمره پیشگامان پست هوایی و پرواز شبانه در آید و در عرصه ادبیات خالق بسیاری از رمان‌های موفق و نیز خالق پرفروش‌ترین کتاب قرن بیستم یعنی شازده کوچولو "Le petit Prince" باشد.

شخصیت و هنر زندگی کسانی چون سنت اگزوپری، شاید برای کسانی که بنا به دلایل مختلف محکوم به زندگی در شرایط ناهنجار و دور از توسعه فرهنگی هستند و نیز برای آن دسته از کسانی که جستجوگر شادی، صلح و تلاش خلاق هستند، بسیار آموزنده و زیبا باشد.

طرح این مسأله بی‌دلیل نیست. نقیبی که در این نوشته از رویاهای یک قصه‌کودکانه به بیان جدی‌تر زندگی - اگرچه حدیث کودکان جدی‌ترین وجه زندگی است - زده شده است توجه خواننده به زندگی و هستی‌شناسی کسانی است که ردپای آنها برای ملتشان و حتی جهان، در حکم راهنمایی به سوی

آفاق روشن و سازنده را دارد و در این شاهراه پیچاپیچ و طولانی، تابلویی نصب شده است که این جمله سنت اگزوپری بر آن نقش بسته است: «جهان، فقط باید خوب باشد.»

۳

۲۹ ژوئن سال ۲۰۰۰ میلادی مصادف است با یکصدمین سالگشت تولد آنتوان دوست سنت اگزوپری، این شخصیت جهانی ادبیات فرانسه که تفاوتی اساسی با بسیاری از نویسندگان دیگر دارد. تفاوتی در بینش و نگاه به زندگی.

او انسانی بود که دو هنر سخت پیچیده و از نظر ماهیت بیگانه با یکدیگر را در خود داشت، به معنای واقعی و ژرفایی کلمه، ذوالفنون بود سرشار از عشق به «نوشتن» و «پرواز». سنت اگزوپری میان شغل رسمی خود یعنی خلبانی و هنر نویسندگی رمان و داستان کوتاه هیچ فرقی قائل نبود. نوشته حاضر درست به همین دلیل می‌تواند مدخلی باشد که ضمن آشنایی خوانندگان با او، احترام عمیق ما را نیز به عنوان بخشی از فرهنگ جهانی نشان دهد.

«لوک استانگ» در زندگی‌نامه‌ای که در ۱۹۵۶ از سوی انتشارات "Seuil" از سلسله کتاب‌های «نویسندگان ماندگار» منتشر شد به دفترچه خاطرات خود اشاره می‌کند.

او درباره مصاحبه‌ای که در ۱۹۳۹ با سنت اگزوپری داشته است پرش‌هایی را مطرح می‌کند. از وی می‌پرسد:

- برای شما چه چیز با ارزش‌تر است؟ خلبانی یا نگارش یک اثر ادبی؟ مهارت و پختگی شما در کدام زمینه بیشتر بوده است؟  
و سنت اگزوپری چنین پاسخ می‌دهد:

- «من این دو را در کنار یکدیگر می‌بینم و تضادی میان آنها احساس نمی‌کنم. پرواز و نوشتن برای من یکی است. مهم این است که شخص بسا درون خویشتن هماهنگ باشد. نویسنده و خلبان هر دو در یک سطح قرار دارند.»

کسی که با چنین دیدگاهی قلم به دست می‌گیرد در مرتبه‌ای از آگاهی و تبحر جای دارد که وی را فراتر از هر ایدئولوژی می‌نشانند. مخصوصاً که نوشته‌هایش از روح یگانگی و صلح بشری و تفاهم سرشار است و یا نفرت و دناوت جنگ افروزان را به تصویر می‌کشد. او درباره ویژگی‌های مشاغل این‌طور می‌نویسد:

«بزرگی و ارزش یک شغل قبل از هر چیزی به متحد کردن انسانهاست.»

اگر ادبیات در مفاهیمی خارج از زندگی و روابط اجتماعی معنا شود و قلم، ابزاری باشد برای تحمیل یک عقیده مسلماً دیدگاه سنت اگزوپری از نظر شارحان چنین ادبیاتی، نه تنها عجیب، بلکه غیرمعقول و یا باطل محسوب می‌شود. چنانکه سال‌های سال آثار او از جمله «شازده کوچولو» در نظام تک‌حزبی و یکصدایی شوروی سابق ممنوع بود. طبیعی است که اگر آدم‌هایی چون سنت اگزوپری را در قالب‌های ارزشی خشک‌اندیشان بگذاریم، حکم تکفیر آنان پیشاپیش صادر شده است. چرا که به زعم اینان اتحاد انسان‌ها فقط در معنای اقتیاد ایدئولوژیک و اندیشه بسته و جزمی و حول محور رفتارهای برده‌وار «حواریون» قابل تفسیر است و شجاعت برای آنان در شخصیت پهلوان‌های معرکه‌گیری سیاسی خلاصه می‌شود و قلدر مآبی و رفتار باستانی گلا دیاتوری در شکل و شمایل سیاسی و فرهنگی‌اش، تفسیر کتاب‌های

## مجله دام و کشت و صنعت

از سراسر کشور همکار مطبوعاتی با درآمد مکفی در زمینه تهیه گزارش‌های کشاورزی، دامپروری، صنایع غذایی، ماشین‌آلات کشاورزی و سایر رشته‌های مرتبط می‌پذیرد

لطفاً مشخصات و سوابق کاری خود را با نمابر ۸۸۳۳۳۶۱ ارسال نمایید.

رسمی پرواز را دریافت می‌کند و سال بعد یعنی در ۱۹۲۲ در زسته شکاری‌های گردان ۳۳ نیروی هوایی فرانسه مشغول به کار می‌شود.

۱۹۲۶، سال شروع جدی تر فعالیت‌های ادبی اوست. وی داستان «ناو نقره‌ای» را می‌نویسد. همچنین داستان بلند «هوانورد» محصول همین سال

است. در عین حال وی با ورود به شرکت هواپیمایی فرانسه (AIR FRANCE) دور تازه‌ای از فعالیت‌های خود را شروع می‌کند.

نگارش داستان «پرواز شبانه» در سال ۱۹۲۹ مقارن است با کسب لقب شوالیه افتخاری لژیون دونور، بالاترین نشان ملی فرانسه. کتاب «پرواز شبانه» همان‌طور که اشاره شد، با مقدمه‌ای از آندره ژید منتشر شد و جایزه «فیمن» را نصیب خود کرد. سنت اگزوپری همزمان با نوشتن، در سال ۱۹۳۴ مدیریت تبلیغاتی ایرفرانس را به عهده گرفت. در مأموریت‌های بسیاری شرکت کرد و در عین حال نگارش رمان «پیک جنوب» توجه کارگردان سینما «پی‌پی‌بیون» را جلب کرد. وی

از این رمان فیلمی ساخت و سنت اگزوپری در صحنه‌های فیلمبرداری که در مراکش انجام می‌شد شرکت کرد. همچنین در صداگذاری فیلم، صدای نقش «پی‌پی‌یر ریشاردوویل» را به عهده گرفت.

در سال ۱۹۳۵ برای تهیه گزارش در مجله پاری سوار "Paris Soir" به مسکو می‌رود. در همین سال بود که پس از بازگشت از مسکو با هواپیمایش که «سیمون» نام داشت عازم «سایگون» در ویتنام می‌شود. همچنین به کشورهای ساحلی مدیترانه سفر می‌کند و در پروازی در ۲۰۰ کیلومتری قاهره مجبور به فرود می‌شود و پس از ۵ روز سرگردانی در صحرا با همیار و دوستش، کاروانی از صحرائشینان عرب آنان را از مرگ حتمی نجات می‌دهند.

خود را درباره پرواز این‌گونه بیان می‌کند:

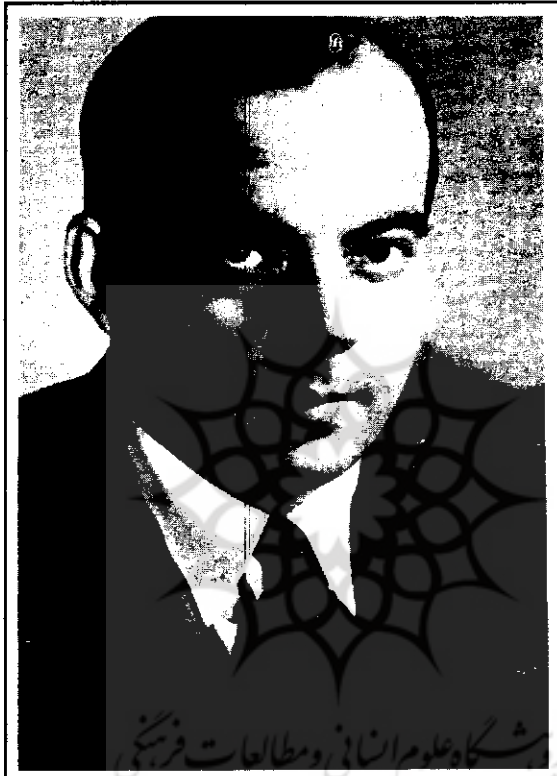
بال‌های لرزان یاد

موتور هواپیما، لالایی می‌خواند

و روح را به خواب می‌برد

و خورشید با نور دلنوازش بر سر ما دست

مهربانی و دوستی می‌کشد.



سنت اگزوپری در کسوت یک نویسنده

این شعر کودکانه، اولین و آخرین بازتاب احساسی او در قالب شعر و درباره پرواز است. رشد و تربیت سنت اگزوپری مصادف است با توسعه صنعت هوانوردی و خطوط حمل و نقل هوایی. وی شیفستگی دوره کودکی خود را همراه با رؤیاهایش در شغل هوانوردی تحقق می‌بخشد.

در ۱۹۲۱ وارد خدمت نظام وظیفه می‌شود. در بخش تعمیرات و بازسازی هواپیما کار می‌کند. کنجکاوی و دقت او به علاوه شوق و شور پرواز راهش را برای پیشرفت‌های آینده هموار می‌کند. بالاخره در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۱ پس از یک سلسله پروازهای موفقیت آمیز اما خطرناک، گواهی‌نامه

لغت آنان است.

«آندره ژید» در مقدمه داستان «پرواز شبانه» بر بخشی از نامه‌های سنت اگزوپری اشاره می‌کند که نقل آن خالی از لطف نیست. سنت اگزوپری در خاطرات یکی از پروازهایش برای ژید می‌نویسد: «... اکنون از کاوشی بازگشته‌ام که در آن دو شبانه‌روز با یازده عرب و یک مکانسین هواپیمایی را نجات دادم. آژیرها داریم و گشتی‌ها. همه‌گوناگون و جذاب. نخستین بار بود که صغیر گلوله‌ها را بالای سرم می‌شنیدم. این است که اکنون می‌دانم در چنان اوضاع و احوال چگونه رفتار کنم. در هر صورت از خیلی از اعراب آفریقایی خون‌سردترم. اما ضمناً چیزی فهمیدم که مرا خیره می‌ساخت. و آن، این بود که چرا افلاطون (یا شاید هم ارسطو) شجاعت را در آخرین مرحله فضایل جای داده است.

شجاعت مجموعه در هم‌جوشی از چند احساس است که چندان هم ستودنی نیستند. اندکی خشم، قدری غرور، و بسیاری لجباجت و هیجان نمایشی و بی‌ارزش و قدرت‌نمایی... از این پس هرگز آدم واقعاً شجاعی را نخواهم ستود.»

تفحص در شغل و زندگی آدم‌هایی مثل سنت اگزوپری، به زعم صاحب این قلم می‌تواند ما را از سرگیجه‌ها سازد. لااقل تا حدی که ممکن است.

آنتوان دوست اگزوپری فرزند سوم کنت اگزوپری بود. کنت، بازرس مالیاتی بود و مادر آنتوان، ماری فانتن کولومب بود. غیر از آنتوان یک پسر و سه دختر جمع این خانواده را تشکیل می‌دادند.

آنتوان در ۲۹ ژوئن سال ۱۹۰۰ در شهر لیون فرانسه متولد شد. پس از مرگ پدرش، ملک اشرافی خود را همراه با سایر اعضای خانواده ترک می‌کند و سن موریس و مانس، محیط‌های تربیتی و رشد آنتوان می‌شوند.

وی از همان کودکی علاقه خود را به مکانیک نشان می‌دهد. حتی یک دوچرخه پرنده می‌سازد. در سال ۱۹۰۹ با خانواده در مانس مستقر می‌شوند و آنتوان کوچک وارد کالج «ژوزوئیت نتردام» واقع در «سن کروا» می‌شود. آنتوان احساسات کودکانه

سال ۱۹۳۹، سال انتشار رمان «زمین انسان‌ها» است. این رمان در ایالات متحده آمریکا با نام «باد، شن، ستارگان» ترجمه و منتشر می‌شود.

این کتاب عنوان پرفروش‌ترین کتاب ماه را به خود اختصاص می‌دهد و جایزه بزرگ «رم» را نصیب سنت اگزوپری می‌کند.

فرانسه زیر چکمه نظامیان اشغالگر آلمانی نازی، زخمی و درمانده، دوران سیاه تهاجم و تجاوز را سپری می‌کند. مردم فرانسه و نهضت مقاومت به دفاع از سرزمین مادری پرداخته‌اند. در سال ۱۹۴۰ سنت اگزوپری مخالفت آشکار خود را با هیتلر و حکومت دست‌نشانده‌اش «ویشی» اعلام می‌کند. او نمی‌تواند شاهد تحقیر و کشتار ملت‌هایی باشد که هیتلر و اعوان و انصارش با حمایت و تکیه بر احساسات لجام‌گسیخته و اشتباه تاریخی مردم آلمان سبب‌ساز اصلی آن است. سنت اگزوپری تلاش می‌کند خود را از محیط فرانسه و حکومت ویشی خلاص کند. به آمریکا می‌رود. داستان «دژ» حاصل همین سال است.

در ۲۰ فوریه ۱۹۴۲، رمان «خلبان جنگ» منتشر می‌شود. این رمان در ایالات متحده با عنوان «پرواز به سوی آرامش» به بازار کتاب عرضه می‌شود. اما در فرانسه خشم حکومت ویشی را برمی‌انگیزد. این عصبیت به خاطر این است که سنت اگزوپری در این رمان فقط در چهار کلمه پیشوای کبیر ملت آلمان!! را یک نادان خطاب کرده است. او نوشته است: «هیتلر یک احمق است». همین. لذا حکومت ویشی کل صورت مسأله را پاک می‌کند. یعنی انتشار کتاب در فرانسه اشغالی ممنوع می‌شود. کتاب «خلبان جنگ» به مدت ۶ ماه در زمره کتاب پرفروش یا «Best Seller» در آمریکا، نشان می‌دهد که سنت

اگزوپری در نویسندگی از توانایی بالایی برخوردار است. در ۲۶ نوامبر همین سال از رادیو نیویورک برای مردم فرانسه پیامی می‌فرستد و آنها را در برابر متجاوزان نازی به اتحاد بیشتر فرا می‌خواند.

سال ۱۹۴۳، سال انتشار «نامه به یک گروگان» و نیز سال خلق «شازده کوچولو» است. این کتاب تقریباً به تمام زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است و براساس گزارش همه خبرگزاری‌های جهان، پرفروش‌ترین کتاب قرن بیستم شناخته شده است. به هر حال در این سال سنت اگزوپری ۴۳ ساله است. پروازهای متعدد و خطرناک، زخم‌های ناشی از حوادث گوناگون او را در وضعیت جسمانی سختی قرار داده است. مخصوصاً جراحات‌ها و صدمه‌هایی که از پنج سانحه هوایی در طول سالیان زندگی شغلی دیده است، هنوز آزارش می‌دهند. وی در یکی از این سوانح، به علت سقوط هواپیمایش به شکستگی استخوان جمجمه دچار شد. شوق پرواز و نوشتن رهایش نمی‌کنند. درخواست‌های مکرر از یک سو و مساطت پسر رییس‌جمهور روزولت باعث می‌شود وی به نیروی هوایی آمریکا منتقل شود و تا درجه فرماندهی پیش رود. پس از این‌که متفقین در سواحل فرانسه جبهه دوم علیه آلمان‌ها را گشودند اگزوپری مجدداً به میهن بازگشت و با درجه سرهنگی نیروی هوایی به نبرد با آلمان‌ها پرداخت. اما در ۱۹۴۴ مجوز پرواز وی لغو می‌شود. علت این ممنوعیت سن بالا و صدمات بدنی است. با این وجود، وی آخرین مأموریت پروازی خود را انجام می‌دهد.

۳۱ ژوئیه ۱۹۴۴، قرار است سنت اگزوپری ناوگان هوایی‌اش را از الجزایر به «باستیاورگو»

منتقل کند. وی عازم جزیره کرس است. این پرواز طبق برنامه، ساعت ۸/۳۰ صبح به مقصد «گرنوبل آنوسی» آغاز می‌شود و می‌بایست ساعت ۱۳/۳۰ بازگردد. سوخت هواپیما تا ساعت ۱۴/۳۰ پیش‌بینی شده‌است. اما اگزوپری هیچ‌گاه به مقصد باز نمی‌گردد.

شایعات زیادی سر زبان‌هاست. گزارش می‌شود که آلمان‌ها هواپیمایش را سرنگون کرده‌اند. طبق گزارش، او در صد کیلومتری شمال «باستیا» سقوط کرده است. اما کلنل «گاووا» فرمانده رسته اگزوپری گزارش‌های رسیده را تکذیب می‌کند. اطلاعات غلط است و تاریخ گزارش هیچ اعتباری ندارد.

ابهام مرگ سنت اگزوپری آغاز می‌شود و سال‌ها این سخن بر سر زبان‌هاست که او به علت نفرت از جنگ و خستگی مفرط، هواپیمایش را در آسمان منفجر کرده است. اما پس از گذشت پنجاه و پنج سال در آخرین ماه‌های سده بیستم، لاشه هواپیمای سنت اگزوپری پیدا می‌شود و این خبر اندوه فقدان او را در دل میلیون‌ها انسان که آثارش را خوانده‌اند زنده می‌کند.

۶

اعتقاد سنت اگزوپری به دو عنصر سازنده کار و اندیشه، از وی انسانی ساخته بود فارغ از خصلت‌های طبقاتی‌اش، یعنی رفتارهای اشراف‌منشانه. وی این دو عنصر را بدون تشبیه به شعارهای بی‌محتوا و نظریه پردازی‌های بیهوده، در عمل، تجربه و عشق در خود پرورش داد.

شغل وی ایجاب می‌کرد برای توسعه خطوط هوایی فرانسه بکوشد. نخستین خط پست هوایی از پاریس به کازابلانکا در مراکش باکوشش او و

۵

## مدرسه راهنمایی دخترانه نور ایمان

غیرانتفاعی  
تاسیس ۱۳۷۳

- قبولی ۱۰۰ درصد دانش آموزان
- احراز رتبه اول در مسابقات علمی منطقه، المپیاد ریاضی

خیابان ستارخان، پشت برق آلتوم، خیابان سازمان آب، مقابل مدرسه جهانی نسب، خیابان اروند، قطعه ۲۴۹۸  
تلفن: ۸۲۰۸۲۸۵

اگزوپری در تمام آن چه نقل می‌کند همچون کسی سخن می‌گوید که خود همه آن مراحل را گذرانده است. تماس شخصی او با خطرهای مدام، کتاب‌هایش را با چاشنی اصالت، و تقلیدناپذیری خوش مزه می‌کند. داستان‌های بسیار درباره جنگ با سرگذشت‌های تصویری داشته‌ایم که اگر نویسنده آنها مرد شوخ طبع و بینایی بود بر چهره سربازان و ماجراجویان واقعی که آن داستان‌ها را خوانده‌اند لبخند می‌آورده است.»

آنتوان دوست اگزوپری، خلبان، مهندس پرواز، مدیر عالی شرکت هوانوردی و در عین حال خالق رمان‌های بسیار و آفریننده شخصیت دوست داشتنی و مهربان یعنی «شازده کوچولو» است و همین پسرک موطلائی است که وی را در تمام جهان پرآوازه کرده است.

به راستی مگر در سرشت این قصه کوتاه چه رازی نهفته است؟

که فقط متکی به نظریه‌پردازی‌های خام باشد ترجیح می‌داد.

ما نمی‌توانیم بین شخصیت سنت اگزوپری خلبان و سنت اگزوپری نویسنده تفاوتی قائل شویم. او همان قدر در شغل خود احساس مسئولیت می‌کرد که در نویسندگی. برای او کمال‌یابی آدمی در دو وجه بارز و مشخص جلوه می‌کند. کمال‌یابی در صحنه کار اجتماعی که مفهوم آن با تعاریفی که در جوامع عقب‌افتاده از کار می‌شود فرق دارد. طبیعی است آن صنف‌هایی که با کار خلاق سرو کار دارند چه در عرصه تولید و چه در عرصه فرهنگ، مولدان اصلی‌اند و با صنف‌های انگلی که همواره از برکت جهل عمومی ارتزاق می‌کنند ماهیتی متفاوت دارند. در وجه دیگر تکامل، یعنی اندیشه خلاق، احساس مشترک انسانی، سلامت اخلاقی و عشق به خانواده و ملت است که نویسنده شازده کوچولو، در زندگی خود این وجه را نیز به تمامی داشت. آندره ژید می‌نویسد: «سنت

دوستانش راه‌اندازی شد. آندره ژید به توسعه این خطوط هوایی در رقابت با سایر شرکت‌های حمل و نقل زمینی و دریایی اشاره می‌کند. وی همچنین یادآوری می‌کند که مدیریت شرکت‌های هوایی، نقصان امکان پرواز شبانه را بررسی کرده و فقدان برنامه‌ریزی این‌گونه پروازها را ضایعه و ضرری اقتصادی قلمداد کرده‌اند. چرا که سرعت عمل هواپیماها در روز با نبودن امکان پرواز شبانه خنثی می‌شود. به همین دلیل به فکر چاره می‌افتند. طبیعی است که در شرایط آن زمان و پیدایش فن‌آوری جدید خطرات ناشی از پرواز در شب تا چه حد بالا بوده است. اما با مدیریت خردمندانه و متکی به دانش، آنان عملاً مفاهیمی چون توسعه را پیاده کردند بدون این‌که برایش هیاهو راه بیندازند.

سنت اگزوپری با آگاهی و اعتقاد به چنین ظرافت‌هایی بود که کار خلاق و اندیشه خلاق را در زندگی خود به هر مکتب و مرامی

**ساعی**  
تولیدات ما را در کیفیت و قیمت مناسب آن امتحان فرمائید  
تولید و فروش لباس آقایان

ما با بیش از بیست سال سابقه در تولید لباس آقایان رنگ بصورت عرضه می‌کنیم در خدمت شما گرامیان هستیم

کت شلوار - کت تک - پیراهن - شلوار و ...  
فروش دوخت‌ترین کت و شلوار ایران

ونک - ملا صدرا - شیراز جنوبی - شماره ۳۳ -  
تلفن : ۳-۸۰۱۱۱۱۲

**SALE**  
CLOTHING

او در مقدمه کتابش که به طرزی هنرمندانه و با زبانی ساده نگاشته است کتاب خود را به «لئون ورث» تقدیم می‌کند. با عذرخواهی از بچه‌ها به دلیل این‌که کتاب را به یک آدم بزرگ اهدا کرده است:

«... عذرخواهی من جدی است. این آدم بزرگ بهترین دوستی است که در دنیا دارم...» احساس انسانی و لطیف او به کودکان، نگرانی وی از آدمی که «به تسلی و دلجویی نیازمند است» ستودنی تر است هنگامی که وی تقدیم نامه‌اش را این‌گونه تمام می‌کند: «... اگر تمام این عذرخواهی‌ها کافی نباشد من می‌خواهم این کتاب را به کودکی که پیش از این بوده است اهدا کنم. تمام آدم بزرگ‌ها پیش از این بچه بودند (اما اندکی از کودکی خود را به یاد می‌آورند) من فقط عنوان هدیه خود را تصحیح می‌کنم: به لئون ورث، آن زمان که بچه کوچکی بود.»

«شازده کوچولو» فقط یک قصه کودکانه نیست، پیام همه کودکان عالم است به ما آدم بزرگ‌ها که هیچ‌گاه نیاموخته‌ایم خشونت را به کودکانمان نیاموزیم و مصلحت‌گرایی‌ها و حساب و کتاب‌هایمان را از دنیای کودکان جدا سازیم. همان چیزی که وقتی خودمان نیز کودکی بیش نبوده‌ایم به ما یاد نداده‌اند.



«شازده کوچولو» موجودی است به ظاهر مثل تمام بچه‌ها. با خواسته‌هایی ساده و کودکانه. نیازهایی به سادگی یک گوسفند دوست داشتنی. وقتی به خلبانی در صحرای آفریقا که دارد هواپیمایش را تعمیر می‌کند پیش از هرچیز می‌گوید: برام یک بره بکش!

موجودیت اثیری او که از سیارک ۲۱۶؛ سیاره‌ای که فقط متعلق به اوست - آمده است با زمین و شگفتی‌هایش روبه‌رو می‌شود و در نهایت ماری هیوط جسمانی او را به زمین ماندگار می‌کند و این موجود اثیری تقدیر آسمانی خود را باز می‌گذارد: «آهسته مثل درختی که ببردش بر

زمین افتاد و چون زمین شنی بود از افتادنش هم صدایی برخاست.»

هنگامی که فکر می‌کردم درخت باثویاب، چیزی شبیه درخت انجیر حیاط ماست معنای آدم‌های بزرگ در ذهن من شکل می‌گرفت و فاصله‌ای عمیق میان من و آدم بزرگ‌هایی ایجاد می‌کرد که در یک شهر قدیمی حاشیه کویر و در کنار رودخانه‌ای که بیشتر ماه‌های سال آب نداشت می‌دیدمشان که چگونه در چنبره شرم‌های احقانه و ولنگاری‌های روزمرگی ما را که بچه‌های کوچک آن محله قدیمی بودیم از متن زندگی حذف می‌کردند و در فرهنگی کهنه و ارتجاعی، بچه، معادل بود با نادانی و سادگی که همراه مادران و خواهران خود در قانونی قبیله‌ای همسنگ دیوانگان شمرده می‌شدیم و امروز پس از گذر سال‌های زیاد می‌اندیشم که سنت اگزوپری با نوشتن «شازده کوچولو» کتابی را به بچه‌های جهان

هدیه داده است که می‌تواند نسل‌های سرخورده از جنگ و خشونت را با دنیاهای واقعی و یا رؤیاگونه آشنا سازد و می‌اندیشم که اگر می‌توانستم روزی به شهر پاریس بروم، اولین کارم این بود که سنگ بنای یادبود او را زیارت کنم و بر نامش بوسه‌ای بزنم و پیام بچه‌های آن محله قدیمی را نثار روح او کنم و امیدوار باشم که سنت اگزوپری، هم‌اینک در سیاره ۲۱۶ همراه شازده کوچولو، پس از این‌که گسل سرخ نازک نـسـارنجی را آب داد و دودکش آتشفشان‌ها را پاک کرد، دوتایی زیر درخت باثویاب می‌نشینند و در میان بی‌شمار نقطه‌های

درخشان در عالم کیهانی به دنبال سیاره زمین می‌گردند و اگر آن را پیدا کردند با انگشت به یکدیگر نشان می‌دهند و می‌گویند آنجاست. آن نقطه کوچک زمین است. سیاره‌ای با رنگ سرخ و تعجب می‌کنند که درخشش پاک آبی این سیاره این چنین سرخ شده است. اگزوپری نگران می‌گوید: مگر جنگ‌ها تمام نشده‌اند!؟

در این نوشته از کتاب‌های زیر استفاده شده است:

1- Luc STANG: SAINT-EXUPERY, par lui meme "Ecrivains DE Toujours"-Aux EDITIONS Du SEUIL. 1959. Paris.

۲- شازده کوچولو. آنتوان دو سنت اگزوپری. ترجمه محمد قاضی - انتشارات امیرکبیر - تهران - ۱۳۶۱  
۳- کتاب هفته. شماره ۲۳ و ۲۴، اسفند ۱۳۴۰ - پرواز شبانه - ترجمه پرویز داریوش.



## مؤسسه فرهنگی آموزشی



## زبان سرا



نمایندگی انحصاری دانشگاه آکسفورد (OUP) و مرکز آموزش و آزمون‌های اتاق بازرگانی لندن (LCCI)

آمادگی خود را جهت ارائه خدمات ذیل اعلام می‌دارد:

- دوره مهارتی کاربردی مترجمی زبان انگلیسی با مدرک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- کلاسهای مکالمه ۱، ۲ و ۳ روز در هفته
- کلاسهای مکالمه گرامر ۳ روز در هفته
- کلاسهای مکالمه زبان فرانسه ۳ روز در هفته
- کلاسهای تک‌جلسه موضوعی زبان انگلیسی
- تورهای آموزشی - تفریحی نیم‌روزه و یک‌روزه به زبان انگلیسی
- کلاسهای تلفظ و آواشناسی زبان انگلیسی
- برگزارکننده انحصاری آزمون ELSA و سایر آزمون‌های اتاق بازرگانی لندن LCCI با اعطای دیپلم رسمی از انگلستان (معتبر در ۸۰ کشور جهان و مورد قبول بیشتر دانشگاه‌های اروپا)
- عرضه کننده جدیدترین کتب، نوار و فیلم‌های آموزشی از دانشگاه آکسفورد
- تنها سازنده لابراتوارهای کامپیوتری و الکترونیکی زبان به تأییدیه سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران و تنها صادرکننده سیستم لابراتوار زبان به خارج از کشور

دفتر مرکزی: تهران، خ انقلاب، ابتدای وصال شیرازی، پلاک ۲۷  
تلفن: ۰۲۱-۶۶۶۸۲۰۵-۶۶۶۲۶۱۲-۰۲۱-۶۴۰۱۲۳۷-۰۲۱-۶۴۱۷۱۱۹ فاکس: ۰۲۱-۶۶۶۲۱۵۲  
Email: zabansara@ravan.com